

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره ۱۷، شماره ۳، پیاپی ۱۳۹۷، ۵۳۳-۵۵۲

مسکن، مهاجرت و محله‌های مردمی؛

راهبردهای بقا و ارتقا در میان مهاجران کم‌درآمد شهری

(مطالعه موردی: خانواده مهاجر ساکن محله خزانه در تهران)

پروین قاسمی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۰

چکیده

مهاجرت پدیده‌ای است که با رسیدن مهاجران به مقصد خاتمه نمی‌یابد و سال‌ها پس از آن ادامه دارد. آنچه در تکمیل پژوهش‌های مهاجرت مهم است، تمرکز بر روایت‌های مهاجران، استخراج مراحل مهاجرت و راهبردهای بقاست. در پژوهش حاضر با تمرکز بر تجربه مهاجرت یکی از خانواده‌های آذری‌زبان مقیم تهران، شیوه‌های بقا و ارتقای زندگی در میان بخشی از مهاجران کم‌درآمد شهری از منظر انسان‌شناختی و با روش تحلیل روایت بررسی شد. براساس نتایج، مفهوم پویایی مهاجرت در تعاریف این پدیده نادیده گرفته شده است. در این مفهوم، مهاجرت از کوچ‌کردن پله‌وار (از روستا به شهر کوچک و از آنجا به شهرهای بزرگ‌تر)، مهاجرت رجعی یا برگشتی (بازگشت مهاجر به روستا به دلیل تفاوت‌نداشتن زندگی شهر و روستا) و مهاجرت چرخ‌واری یا دوره‌ای (سکونت فصلی در شهر و روستا) فراتر می‌رود. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد جذب مهاجران کم‌درآمد شهری، تقریباً دو تا سه دهه زمان می‌برد؛ زیرا مهاجران به‌شکلی آرام خود را به چشم‌انداز و راهبردهای بقا و ارتقا مجهز می‌کنند که یکی از این راهبردها مسکن و انواع محله‌های متناسب با کم‌درآمدهاست.

واژه‌های کلیدی: ارتقای کیفیت زندگی، راهبردهای بقا، محله‌های مردمی، مسکن، مهاجرت پویا، مهاجران کم‌درآمد شهری.

۱. دانشجوی دکتری انسان‌شناسی دانشگاه تهران، parvingh90@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

با نگرشی بدبینانه به پدیده مهاجرت، گاهی مهاجران بی سواد و کم درآمد شهری به عنوان گروه‌های انگلی شهر شناخته می‌شوند. آن‌ها «توده‌های جمعیت فقیر، بی‌زمین، کارگران ساده کشاورزی، از قسمت‌های عقب‌افتاده کشورهای منطقه و از شهرهای کوچک دورافتاده که حداقل امکانات اشتغال را برای آن‌ها فراهم نمی‌کند» (موکرجی، ۱۳۹۰: ۹) هستند. به نظر می‌رسد حاصل مهاجرت چیزی جز ایجاد «سکونتگاه‌های آلودگی و فقرآلود شهری، محله‌های پلشت» (همان: ۸-۹) و ازدحام، تباهی شهری و تقابل میان مهاجران شهری و ساکنان بومی یا قدیمی‌تر شهر نیست. در این میان، مهاجران در موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره، فضاهای علمی، اجرایی و تصمیم‌گیری به شیوه‌های مختلف تحقیر می‌شوند. این تقابل در تهران به دلیل داشتن بیشترین تراکم و تنوع گروه‌های اجتماعی، قومی، فرهنگی و سیاسی بیشتر از شهرهای دیگر دیده می‌شود. جمعیت تقریباً ۱۴ میلیون نفری تهران، حدود ۱۹/۵ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده است. همچنین ۲۵ درصد مهاجرت‌های کل کشور یعنی ۳ میلیون از ۱۲ میلیون و ۱۰۰ هزار مهاجرت در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به قصد تهران بوده است (گزارش سازمان آمار، ۱۳۸۵).

با توجه به آنچه بیان شد، اکنون با این پرسش‌ها مواجه می‌شویم که مهاجر کیست و چگونه شهر را درمی‌یابد؟ مهاجر تا چه مدت پس از مهاجرتش مهاجر باقی می‌ماند؛ یک سال، ده سال، شاید هم بیست سال یا بیشتر و پرسش آخر اینکه مهاجر پس از چه زمانی حق زیست شهر را به دست می‌آورد؟

پرسش‌های فوق به منظور درک کلی‌تر مهاجرت به صورت عام و مهاجرت پویا به صورت خاص اهمیت دارد. باید توجه داشت که درک پویایی مهاجرت با تمرکز بر زندگی مهاجران، شناخت و دانش ما را از روندی که این افراد برای کسب حقوق شهروندی طی می‌کنند غنا می‌بخشد؛ از این رو ضروری است مهاجرت و مهاجران از منظر انسان‌شناختی بررسی شود و درک این پدیده با کمک خود مهاجران صورت بگیرد. برای این منظور از آن‌ها پرسیده‌ایم که در این شهر چه می‌کنند؟ چشم‌اندازشان چیست؟ از چه زمانی در تهران ساکن شده‌اند؟ در این مدت چه کرده‌اند و به کدام مکان‌ها رفته‌اند و اکنون در کجای این تهران بزرگ ایستاده‌اند و چگونه با آن روبه‌رو شده‌اند؟

بدین ترتیب جامعه آماری پژوهش مهاجرانی از اردیبهشت هستند که بیست‌سال است در تهران سکونت دارند، در حال حاضر در محله خراشه تهران در منطقه ۱۶ زندگی می‌کنند و در این سال‌ها به تجربه‌های زیادی دست یافته‌اند.

به منظور بررسی این تجربه‌ها به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر هستیم:

- مهاجر کم‌درآمد شهری صرف‌نظر از انگیزه‌های مهاجرت و تعلق به شبکه‌های مهاجرپذیری‌اش در مقصد، روند مهاجرت خود را چگونه مدیریت می‌کند؟
 - چگونه مسکن به مثابه جزئی از کالاهای اساسی برای خانواده مهاجر کم‌درآمد تهران تعریف می‌شود و تحقق می‌یابد؟
 - آیا می‌توان موقعیتی زمانی-مکانی از تحولاتی که این خانواده برای بقای زندگی در شهر دنبال می‌کند ترسیم کرد؟
- در ترسیم مفهوم چگونگی ماندگاری کم‌درآمدهای شهری، عواملی از قبیل مهاجرت، محله‌های مردمی، وضعیت معاش و مسکن، و چشم‌انداز حاصل از ترکیب این عناصر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت زیادی دارد.

پیشینه پژوهش

از گذشته تاکنون، مهاجرت در ایران مدنظر بسیاری از پژوهشگران بوده و از نظر پژوهشی، حوزه غنی و پربراری به‌شمار می‌آمده است. با این حال، پژوهش‌های زیادی با موضوع مهاجرت صورت نگرفت تا نشان دهد مهاجران چگونه خود را با شرایط مقصد سازگار می‌کنند و راهبردهای بقا را برای ماندن به کار می‌گیرند. برخی از این پژوهش‌ها بر سطح کلان دلالت دارند (وارثی و سروری، ۱۳۸۵) و بخشی به مهاجرت نیروی تحصیل‌کرده می‌پردازند (فاضلی، ۱۳۹۲؛ رجایی‌پور و همکاران، ۱۳۸۷؛ چلبی، ۱۳۹۰). در این پژوهش‌ها، تحلیل و تفسیر مهاجرت در دو دسته تجویزگرایانه (کازمی‌پور و قاسمی اردهائی، ۱۳۸۶) و آسیب‌شناسانه (مجاورحسینی و حق‌ویردی، ۱۳۷۸؛ موکرچی، ۱۳۹۰) صورت گرفت. برخی نیز به دلایل مهاجرت تا اسکان مهاجر در مقصد پرداختند و به روایت مهاجر در سال‌های حضورش در مقصد کمتر توجه کردند (وطن‌پرست و ملکی‌پور، ۱۳۹۳، حمدی و فتیحی، ۱۳۸۸).

تنها پژوهش مرتبط با موضوع مطالعه حاضر، پژوهش زنگنه و سمیعی پور است که تحرک سکونتی مهاجران در سبزوار را نشان می‌دهند. به همین منظور به دو مؤلفه اقتصادی و کالبدی اشاره کردند. مؤلفه اقتصادی با شاخص‌های قیمت زمین و مسکن، اجاره‌بها، نمای ظاهری، کیفیت مصالح و تسهیلات مسکن شهر سبزوار مشخص شدند. براین اساس، این شهر به چندین منطقه پردرآمد، متوسط به بالا، متوسط درآمد، متوسط به پایین، کم‌درآمد و فقیرنشین تقسیم شد. با توجه به مؤلفه کالبدی نیز مناطق زندگی مهاجران شامل بافت قدیم، حاشیه، توحیدشهر و سایر نقاط است (زنگنه و سمیعی پور، ۱۳۹۱: ۱۰۵). تفاوت این مطالعه با پژوهش حاضر این است که تقسیم‌بندی فوق بر شهر سبزوار منطبق است و برای تهران کاربرد ندارد. همچنین فراتر از یک محله محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، آن‌ها حرکت مهاجران را براساس مناطق درآمدی شش‌گانه و مناطق کالبدی چهارگانه بررسی کردند. همچنین گروه‌های هدفشان طیفی از مهاجران کم‌درآمد تا مهاجرانی با درآمد بالا بودند. در مطالعه پیمایشی فوق که در سطح کلان انجام شد، زمان صرف‌شده برای تحرک سکونتی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و حقوقی، همچنین پایداری و ناپایداری محله‌های مختلف سکونت مهاجران مدنظر قرار نگرفته است. باید توجه داشت که مهاجرت مستقل از بستر زمانی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده مهاجر آغاز نمی‌شود (زنگنه و سمیعی پور، ۱۳۹۱).

در میان پژوهش‌هایی با موضوع مهاجرت کمتر، پژوهش‌های سطح خرد با تأکید بر روایت‌پژوهی مهاجرت انجام شده است. در ادامه، شیوه‌های زیست مهاجران در شهر از منظر خرد و براساس روایت یکی از خانواده‌های مهاجر بررسی می‌شود.

ادبیات نظری پژوهش

این بخش با سه مفهوم اساسی «پویایی مهاجرت»^۱، «تحرک سکونتی»^۲ و «پویای مهاجرت»^۳ آغاز می‌شود، اما پیش از این، بر نقش نظریه در انسان‌شناسی و نظریه در این پژوهش اشاره می‌شود. نظریات استفاده‌شده در پژوهش حاضر، چارچوبی برای آن محسوب نمی‌شوند، بلکه

-
1. Dynamics of Migration
 2. Residential Mobility
 3. Migration process

گستره مفهومی و نظری این پژوهش را قوت می‌بخشند. براساس پژوهش‌های انسان‌شناسانه و انسان‌شناسی، روایت انسان‌ها قابل انطباق بر نظریات نیست و نمی‌تواند باشد.

پویایی مهاجرت بر مفهومی دلالت دارد که به مهاجرت نه به صورت مقطعی بلکه به شکلی مداوم تا سال‌های پس از آن توجه می‌کند. به طور معمول، مهاجرت «حرکتی در بعد جغرافیایی یا تحرک مکانی بین دو واحد جغرافیایی صرف» (زنجانی، ۱۳۷۶) دانسته می‌شود. براساس مهاجرت پویا^۱ یا پویایی مهاجرت، کوچ کردن پدیده‌ای پیچیده است که سالیان زیادی ادامه و در آن بازنگری حرکت مهاجران توسط خودشان ضروری به شمار می‌آید.

«پویای مهاجرت» (زاهدی مازندرانی و همکاران، ۱۳۶۶) مفهوم مناسبی برای بیان فرایند مهاجرت است که با مفهوم مهاجرت پویا در برخی ابعاد همپوشانی دارد. این مفهوم برای بیان توصیف نفس عمل مهاجرت (داخلی و خارجی) به کار رفته است، اما به سال‌های پس از مهاجرت و اینکه مهاجر تا چه زمانی مهاجر باقی می‌ماند توجهی نشده است. «بهترین راه مقابله با پویای مهاجرت آن است که آن را آزاد بگذارند تا جریان طبیعی و لازم خود را طی کند و به جای صرفاً مخارج بیهوده برای مقابله با مهاجرت، در زمینه ایجاد مشاغل نوین سرمایه‌گذاری را فراهم کنند» (همان: ۵۵).

مفهوم «تحرک سکونتی» (زنگنه و سمیعی‌پور، ۱۳۹۱) از دیگر مفاهیم مناسبی است که بر جابه‌جایی‌های درون‌شهری تأکید می‌کند (Schimmack Oishi, 2010; Culton and Theodos, 2012). عامل این تحرک معمولاً ساکنان بومی شهر و تا اندازه‌ای گروه‌های مهاجران هستند.

در مهاجرت پویا و پژوهش‌های مربوط به آن حرکت‌های مهاجران بررسی می‌شود. به طور معمول، مهاجران در پژوهش‌های اجتماعی، شهرسازی و برنامه‌ریزی پس از حرکت از مبدأ به مقصد رها می‌شوند. درحالی‌که سال‌های زیادی برای کسب حق شهروندی تلاش می‌کنند.

رهاکردن مهاجر کم‌درآمد پس از هجرت به تهران، کلکته یا هر شهر دیگری پویایی‌های مهاجرت را پنهان می‌کند. در این نگرش، مهاجران کم‌درآمد شهری به منزله انگلی هستند که باید برای زدودن آن‌ها از شهر تدبیری صورت بگیرد. قوانین مهاجرتی راونشتاین^۲ در این نوع نگرش به مهاجرت قابل‌دستیابی، و به قرار زیر است:

1. Dynamic migration
2. Ravenstein

۱. بیشتر مهاجران فواصل کوتاه را طی می‌کنند. با طولانی‌تر شدن فاصله میان مبدأ و مقصد دو گرایش ضمنی در آن‌ها پدید می‌آید:
 - الف) استقرار در نقاط شهری به‌ویژه شهرهای بزرگ؛
 - ب) مهاجرت به سوی قطب‌های صنعتی-تجاری.
 ۲. مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر، کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ.
 ۳. جریان مهاجرتی از روستا به شهر همواره بیش از جریان مهاجرتی از شهر به روستاست.
 ۴. شهرنشینان کمتر از روستاییان به مهاجرت تمایل دارند.
 ۵. ارتباطات و فناوری بر افزایش مهاجرت تأثیرگذار است.
 ۶. اغلب مهاجرت‌ها با انگیزه‌های اقتصادی رخ می‌دهد.
 ۷. زنان عمدتاً در مسافت‌های کوتاه مهاجرت می‌کنند (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۵۵-۸۷).
- تأکید راونشتاین بر مرحله‌ای بودن مهاجرت و توجه به گرایش‌های ضمنی در مهاجرت مهم است. هرچند تأکید بر دومرحله‌ای بودن مهاجرت در بند ۱ و ۲ قوانین مهاجرت، بیانگر مراحل حرکتی مهاجران پس از مهاجرتشان به شکلی دقیق‌تر نیست.
- ترنر به فرایند دومرحله‌ای اقامت در واحدهای اجاره‌ای و زاغه‌های بخش مرکزی شهر و تغییر مکان به کلبه‌های خانه‌های خودساخته در حاشیه شهر اشاره کرده است (ترنر^۱، ۱۹۶۸: ۳۵۵). تقسیم‌بندی دراکاکیس اسمیت^۲ از راونشتاین و ترنر کامل‌تر محسوب می‌شود. مراحل مهاجرت از دیدگاه او عبارت است از:
۱. مهاجرت پله‌وار: حرکت روستا به شهرهای کوچک و سپس شهرهای بزرگ؛
 ۲. مهاجرت‌های چرخ‌واری: حرکت درازمدت میان شهر و روستا که مهاجر بخشی از زمانش را در روستا و بخشی دیگر را در شهر سپری می‌کند تا از مزایای هر دو بهره‌مند شود.
 ۳. مهاجرت رجعی: به‌دنبال متفاوت‌نبودن زندگی شهری با زندگی روستایی، مهاجر به محل زندگی سابق خود بازمی‌گردد (دراکاکیس اسمیت، ۱۳۷۷: ۴۸-۵۲).

1. Turner
2. Drakakis Smit

همچنین دراکاکیس معتقد است انواع مراحل مهاجرت در بسترهای متفاوتی رخ می‌دهد: «تهیدستان معمولاً در جهت برآورده‌ساختن نیاز خود برای سرپناه، دو نوع متفاوت از واکنش مردمی از خود بروز می‌دهند؛ حاشیه‌نشینی و تشکیل محله‌های فقیرنشین. اولی ساخت‌وسازهای غیرقانونی را دربرمی‌گیرد. محله‌های فقیرنشین بناهای پایدار هستند که به دلایل مختلف در وضعیت زیر استاندارد قرار گرفته‌اند؛ انواع خانه‌سازی ارزان دولتی، مردمی (محله‌های حاشیه، زاغه و...) و خانه‌سازی خصوصی» (همان: ۱۱۴-۱۲۶).

از ساختارهای مقاوم در برابر مهاجر می‌توان به مراحل مختلف مهاجرت، انواع سرمایه‌های قابل‌انتظار در مهاجرت، راهبردهای دستیابی به سرمایه‌های پولی و غیرپولی متأثر از زمینه‌های حرکتی خانوار، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانوار و عاملیت فرد مهاجر اشاره کرد. در این مطالعه، از میان انواع نظریات حوزه مهاجرت به نظریاتی توجه شد که به حرکت مهاجر کم‌درآمد شهری پس از مهاجرت پرداخته‌اند. در ادامه با تمرکز بر مطالعه موردی سال‌های پس از مهاجرت یکی از خانواده‌های مهاجران در تهران درمی‌یابیم چه سیاست‌ها و راهبردهایی در زندگی آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

تحلیل روایت از نوع مردم‌نگارانه^۱ است که در آن علاوه بر تمرکز روی روایت‌ها و داستان‌های افراد، به بافت، تاریخ و شرایط هم پرداخته می‌شود. «روایت مردم‌نگارانه» طرح تحلیلی، ابزارها، حساسیت‌هایی برای گرفتن نماهای غنی و متنوع از تجربه‌های روایتی روزمره‌مان را فراهم می‌کند» (Gubrium and Holstein, 2008: 251).

این تحلیل شامل تمایل‌داشتن و حاضربودن^۲ برای تجربه‌کردن، گفتن^۳ درمورد تجربه، نوشتن تجربه^۴ و تحلیل^۵ آن و درنهایت خواندن^۶ تجربه است. (Reissman, 1993).
براین‌اساس، ما بیش از سایر روش‌ها به روایت حرکت خانوار و تلاش و بقای آن‌ها در زمینه

-
1. Ethnography Narrative
 2. Attend
 3. Telling
 4. Transcribing
 5. Analysis
 6. Reading

ماندن در شهر نزدیک می‌شویم. در تحلیل روایت این پژوهش، تمام داده‌های میدانی اعم از موقعیت جغرافیایی، مسکن، فرهنگ و مصاحبه‌ها، پس از گردآوری با ذکر مشخصات زمانی و مکانی در برگه‌هایی نوشته، سپس چندین مرتبه خوانده شد. مرحله کدگذاری نیز با اتکا بر کدگذاری موضوعی صورت گرفت. در نهایت، پس از دسته‌بندی کدگذاری با تم‌های مشابه، مقولات متناسب برای هریک از کدها استخراج شد.

مشارکت‌کننده این پژوهش یکی از خانواده‌های مهاجر از روستایی در اردبیل است. کوچک‌ترین «واحد تحلیل در مطالعات مربوط به مهاجرت، خانه و خانواده است نه یک فرد» (گوتدینر و باد، ۱۳۹۰: ۱۰۵)؛ زیرا «مهاجرت حتی اگر به وسیله یک فرد صورت گیرد، رفتار فردی و شخصی نیست، بلکه تصمیمی جمعی است» (دراکایس اسمیت، ۱۳۷۷: ۴۶) که در بطن خانواده و خویشاوندان طرح می‌شود.

پژوهشگر پس از حضور به‌عنوان کارشناس اجتماعی در دفتر خدمات نوسازی محله خزانه، با این خانواده آشنا شد و توانست خصوصیات و ویژگی‌های اقوام ساکن محله را بیشتر بشناسد. محله خزانه مقصد بسیاری از مهاجران است. خانواده‌ای که این مطالعه براساس تجربه ایشان از مهاجرت شکل گرفت، یکی از صدها خانواده مهاجری بودند که وارد تهران شدند. به دلیل قولنامه‌ای بودن املاک این مهاجران، نوسازی خانه‌های ایشان متوقف شد. در نتیجه، مراجعه آن‌ها به این دفتر آشنایی عمیق‌تر با ساکنان این پلاک‌ها را فراهم کرد. آشنایی با تجربه زندگی این خانواده آذری نمونه‌ای از تجربه‌ها متنوع و متعدد مهاجرت است. در مقاله دیگری از پژوهشگر (۱۳۹۲) درباره تعامل اقوام و سیاست‌های شهری، بخشی از این تجربه‌ها آمده است. شناخت شهر مستلزم شناسایی انواع راهبردهایی است که گروه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای باقی ماندن در شهر مدنظر قرار می‌دهند؛ از این رو بدون این شناخت هرگونه تصمیم‌گیری به اجراهای ناموفق منجر خواهد شد.

توصیف مشارکت‌کنندگان و میدان مطالعه

مشارکت‌کنندگان این مطالعه ۷ نفر هستند؛ حسین و فاطمه^۱، پدر و مادر خانواده و ۵ فرزند

۱. در راستای حفظ حریم خصوصی افراد، اسامی آن‌ها تغییر کرده است.

آن‌ها (۴ پسر و ۱ دختر). این خانواده بیست سال است که در تهران ساکن‌اند و حضور آن‌ها با تحرک سکونتی در ۴ خانه با ویژگی‌های خاص خودشان در اقصی نقاط محله و شهر سپری شده است. خانه اول، دوم و چهارم آن‌ها در منطقه ۱۶ شهر تهران، محله خزانه واقع بوده (نقشه ۱) و خانه سوم در ورامین قرار داشته است.

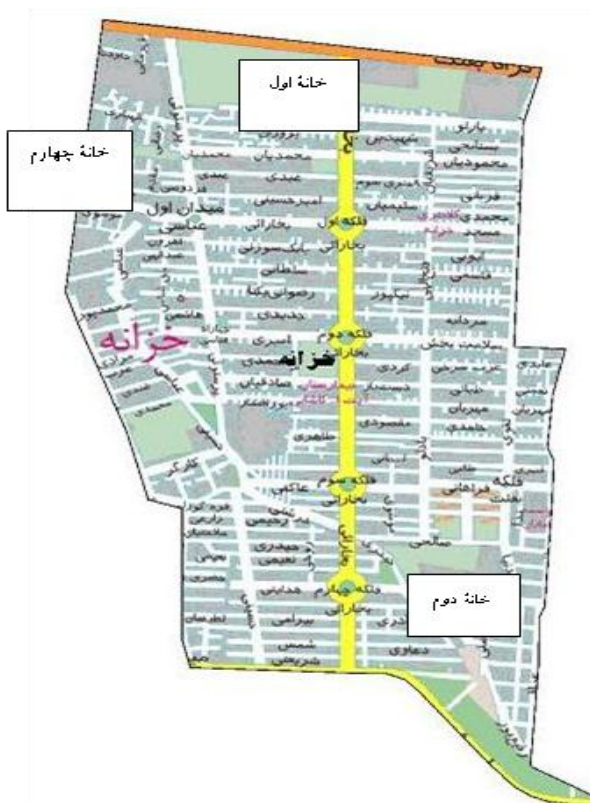
پیش از بررسی این خانه‌ها ضروری است دلایل تمرکز بر این خانواده و روایت آن‌ها مطرح شود:

- این خانواده از خانواده‌های آذری‌زبان یکی از روستاهای اردبیل (از شهرهای مهاجرفرست ایران) است. «در سال ۱۳۸۱ این شهر نه‌تنها مهاجرپذیری نداشته است، بلکه خالص مهاجرت آن ۳۸،۷۵۰ بوده است. در همان سال ۴۲۹ هزار و ۸۹۶ تن وارد تهران شده‌اند» (وارثی، سروری، ۱۳۸۵: ۱۸۸).
- این خانواده از مهاجران تهی‌دست شهری محسوب می‌شود. طیف وسیعی از مهاجران ساکن پایتخت کم‌درآمد هستند. با تمرکز بر این خانواده مهاجر و مسیر تقریباً بیست‌ساله حضور آن‌ها در تهران، به راهبردهای قوام‌بخشی و استمرار حضور این گروه به صورت جزئی و دقیق‌تر نزدیک می‌شویم.
- برای گریز از کلی‌گویی، روایت این خانواده مدنظر قرار گرفت. به‌طور کلی روش روایت مردم‌نگارانه برای درک جزئیات یک مسئله مناسب است. البته این به معنای نفی نگرش کمی به این پدیده نیست، اما تمام نمونه‌گیری‌های وسیع منوط به پژوهش‌های سطح خرد است. خانواده مذکور بازنمای یکی از تجربه‌هایی است که مهاجران کم‌درآمد سپری می‌کنند تا در شهر تثبیت شوند. مهاجران پس از رسیدن به مقصد، فرازوفرودهای اقامتی متنوعی دارند. گاهی یکجا سکونت می‌کنند و زمانی از محله‌ای به محله دیگر و از شغلی به شغل دیگر جابه‌جا می‌شوند. در میان تنوع تجربه‌ها، جابه‌جایی میان سه تا چهار خانه در میان مهاجران عمومیت دارد. این نوع سکونت از بطن محله‌های متنوع کم‌درآمدهای شهری عبور می‌کند. با توجه به ویژگی‌های عمده این نوع محله‌ها که بر موقعیت جغرافیایی آن‌ها نسبت به مرکز، وضعیت حقوقی، وضعیت کالبدی و مدت‌زمان زندگی مهاجران در هریک از آن‌ها متمرکز است، تقسیم‌بندی این محله‌ها ارائه شده است.

برای نشان دادن مسیر آن‌ها در این روایت، از نقاط مکث آن‌ها با مفهوم خانه یاد شد: خانه اول، دوم، سوم و چهارم. در اینجا مفهوم «خانه» هم مراحل مهاجرت آن‌ها و هم مکانی را که برای سکونت و زندگی به‌مثابه سرپناه انتخاب کرده‌اند نشان می‌دهد.

خانه اول

حسین و فاطمه اقامتشان را در کوی پروران در منطقه ۱۶ محله خزانه تهران آغاز کردند.



نقشه ۱. موقعیت خانه‌های اول، دوم و چهارم خانواده مورد مطالعه در محله خزانه

منبع: مطالعات میدانی

منطقه ۱۶ تا اوایل قرن اخیر جزو اراضی کشاورزی پیرامون شهر بود که تعدادی کوره آجرپزی و چند آبادی کوچک از قبیل علی‌آباد، مجدالدوله، نازی‌آباد و بخشی‌آباد در آن قرار داشت. بعدها این آبادی‌ها نطفه اصلی محله‌های علی‌آباد، نازی‌آباد، یاخچی‌آباد و... محسوب شد.

در حال حاضر، این منطقه در جنوب حوزه مرکزی تهران، میان مناطق ۲۰ در جنوب، ۱۵ در شرق، ۱۱، ۱۲ و ۱۷ در شمال و ۱۹ در غرب واقع است و ۶ ناحیه شهری و ۲۲ محله دارد که خیابان شمالی-جنوبی شهید رجایی، محور تقسیمات شهری مذکور به‌شمار می‌رود. سه ناحیه در غرب و سه ناحیه در شرق این خیابان شکل گرفته‌اند. پایانه جنوب، کارخانه روغن نباتی، دو ایستگاه مترو ترمینال جنوب و خزانه از کاربری‌های عمده این محله محسوب می‌شوند. همچنین وجود ایستگاه راه‌آهن، کارخانه چیت‌سازی، گمرک تهران و بنگاه‌های باری و انبارهای بار در حاشیه این محله، سبب افزایش حجم تردد در این محدوده شده است. با توجه به مقاطع زمانی شکل‌گیری مختلف منطقه ۱۶، محله خزانه طی سال‌های ۱۳۲۱-۱۳۴۱ گسترش یافته است (مطالعات مهندسان مشاور مآب، ۱۳۸۸).

کوی پروان یکی از خیابان‌های شرقی-غربی ناحیه ۳ محله خزانه است که با منحنی‌هایی در ابتدای غربی محله آغاز می‌شود و تا خیابان شهید محمدعلی بخارایی ادامه دارد. در این قطعه، ۲۸۸ واحد مسکونی ساخته شده است که ۹۶ واحد قولنامه‌ای هستند و مابقی سند مالکیت ۶ دانگ دارند. وضعیت خانه‌های روبه‌خیابان از خانه‌های داخل کوچه‌ها نسبتاً پایدارتر است. ساکنان کوچه‌ها نیز از نظر اقتصادی مشکلات بسیاری دارند.

کوچه‌های این محدوده تنگ و باریک، و خانه‌های آن نیز عمدتاً یک یا دو طبقه هستند. همچنین ساکنان این قطعه عمدتاً از مهاجران اردبیلی محسوب می‌شوند. در ادامه وضعیت اقتصادی-اجتماعی و مسائلی که یکی از خانواده‌های مهاجر روستای «آفاگون» اردبیل با آن مواجه است بیان می‌شود:

۱. این خانه‌های دو طبقه خانه‌هایی با دو طبقه مجزا و دارای سرویس‌های بهداشتی جداگانه نیستند، بلکه صرفاً به‌دلیل قرارگیری تنها یک اتاق روی اتاق طبقه همکف، به آن دو طبقه گفته می‌شود. اتاق طبقه بالا معمولاً به‌عنوان مهمانخانه یا محل استقرار پسر تازه ازدواج کرده خانواده استفاده می‌شود.

«سی سال پیش وقتی دختر کوچکم رو در آغوش داشتم تو شهرک مسعودیه ساکن شدیم. خونه مسعودیه ۲۰۰ متر بود و ۴ تا اتاق داشت. نمودم. اونجا اجاره بود. ۲۰۰ هزارتومن داده بودیم بدون اجاره. اومدیم اینجا و یه خونه ۵۰ متری با دو تا اتاق خریدیم. حالا دیگه گیر افتادیم. الان پسر بزرگم با ۴ تا بچه اومده و توی یکی از اتاق‌ها ساکن شده. ماشینش رو دزدیدن و اون هم اوایل به روی خودش نمیاورد، اما بعدها افسرده شد و افتاد گوشه خونه. یه روز صابخونه وسایلش رو ریخت تو خونه من. تا پدرش زنده بود نمی‌اومد. به پدرش بدبین بود. الان همش سیگار می‌کشه، بدون اینکه غذا بخوره. دو تا دخترش ازدواج کردن و رفتن. یه پسر ۱۹ ساله هم داره که می‌ره ترمینال بارکشی تا خرج پدر و مادر و خواهرش رو دربیاره. اوایل به من نمی‌گفت که ماشینش رو دزدیدن. برای مادر خیلی سنگینه. خدا هیچ بچه‌ای رو با مادرش یکی نکنه. من هم تو این اتاق با دو پسر ساکنم. شوهرم که مریض شد، پسر کوچکم مجبور شد خرج خانواده رو دربیاره. برای پسر کوچکم چای و شیر و سیب‌زمینی و تخم‌مرغ می‌پختم و آماده می‌کردم تا بیره کنار ترمینال به مسافرها بفروشه. گاهی شهرداری بساطش رو جمع می‌کنه. این پسر می‌گه نمی‌رم، شهرداری نمی‌ذاره. بنده خدا ۶ ساله که شیشه مصرف می‌کنه. پسر بزرگم خونه روبه‌رویی ما مستاجر. یه پسر م با یه زن پولدار ازدواج کرده و رفته» (تلخیصی از روایت نرگس، از ساکنان کوی پروران).

«بیست‌ساله که تهران ساکن شدیم. از نیارق اردبیل اومدیم. شوهرم ورقه‌های شیروونی می‌سازه. ده‌سال اول رو خونه پدرشوهرم که تو همین کوچه بود ساکن بودیم. یه سال رفتیم دروازه‌غار نشستیم. پنج‌سال هم خونه خواهرشوهرم تو بن‌بست روبه‌رو مستاجر بودیم تا تونستیم یه خونه قولنامه‌ای بخریم. خونه ۴۲ متره» (روایت مریم، از ساکنان کوی پروران).

در ضلع شمالی پروران «کارخانه روغن‌نباتی قو» قرار دارد که صدا و بوی آن، روز و شب با اهالی این منطقه همراه است. به‌رغم آلودگی ناشی از این کارخانه، ساکنان می‌توانند در آن مشغول به کار شوند. قولنامه‌ای بودن واحدهای مسکونی و مشکلاتی مانند نداشتن اتصالات فاضلاب شهری و افزایش حیواناتی از جمله موش و سوسک بر کیفیت زندگی این کوی تأثیر گذاشته است.

باید توجه داشت که وضعیت ابتدایی محلهٔ پروران برای زندگی دشوارتر بود. به گفتهٔ فاطمه، هنگام سکونت آن‌ها در کوی پروران، حتی حداقل امکانات اولیهٔ زندگی در شهر وجود نداشت: «اول که اومدیم پروران مستأجر بودیم. اون موقع اینجا آب و برق نداشت. برای آوردن آب باید تا کوچهٔ روغن‌نباتی می‌رفتیم. اونجا رو پس دادیم و رفتیم تو آلونک‌های فلکهٔ چهارم نشستیم».

ساکنان کوی توانستند در این مدت امکانات اولیه از قبیل آب و برق را به خانه‌هایشان بیاورند، اما براساس روایت فاطمه و اقلیما، این کوی همچنان پناهگاه مهاجران بوده و هست. مهیاکردن یک خانه و سکونت در آن نیز چندان آسان نبوده است. به‌گونه‌ای که فاطمه و خانواده‌اش مجبور شدند به گودنشین‌ها بپیوندند.

خانهٔ دوم

محلهٔ خزانه چهار فلکه دارد که این فلکه‌ها برگرفته از نام «خزانه» به فلکهٔ اول تا چهارم خزانه نام‌گذاری شده‌اند. زندگی خانوادهٔ مورد مطالعه در سه خانهٔ اول، دوم و چهارم در این خیابان و فلکه‌هایش شکل گرفته است. هر چهار فلکه در یک جهت و در طول خیابان شهید محمدعلی بخارایی قرار دارد. کوی پروران بالاتر از فلکهٔ اول است و خانهٔ دوم یعنی گودنشین خزانه در شرق فلکهٔ چهارم قرار دارد. هنگام عصر مردم در این خیابان و فلکه‌هایش مشغول خرید و قدم‌زدن هستند و برخی هم در گوشه و کنار فلکه می‌نشینند و عابران را تماشا می‌کنند. افراد مسن آدرس گود قدیمی را می‌دانند، اما جوان‌ترها کمتر آنجا را می‌شناسند. در این پرس‌وجوی آدرس گود ممکن است یکی از این کهن‌سالان قبلاً ساکن گود بوده باشد.

حبیب، پیرمرد شصت‌ساله از آغاز زندگی خود و خانواده‌اش در گود می‌گوید: «بیست‌سالگی می‌شد که پاییز و زمستون می‌ومدم و بهار و تابستون برمی‌گشتم روستا، اما دیدم این‌طوری نمی‌شه. تو گود یه خونهٔ ۴۰ متری خریدم و زن و ۶ تا بچه‌م رو آوردم تهران. خوب نداشتم اومدم اینجا. اگر داشتم اینجا نمی‌اومدم. می‌رفتم سعادت‌آباد و جنت‌آباد!».

حبیب در ادامه درخصوص نحوهٔ خرید و فروش خانه در گود می‌گوید: «کسی که اول می‌ساخت پول نمی‌داد، اما اگر خونه رو به یکی دیگه می‌فروخت، پول می‌گرفت. من خودم تو گود خونه رو ۶۰ هزار تومن خریدم».

حسین و فاطمه نیز به همراه فرزندانشان برای گریز از اجاره‌نشینی در آلونک‌های زیر دکل‌های برق ساکن شدند. فاطمه می‌گوید: «خیلی‌ها مون اونجا ساکن بودیم. دخترعموها و دختردایی‌هام اونجا بودن. خونه ما دو تا اتاق کوچیک داشت. ۱۰۰ هزارتومن دادیم اون رو خریدیم. تقریباً سال ۷۰ بود. شش سال ساکن اونجا بودیم، اما دولت اومد خراب کرد. به من ۵۰۰ هزارتومن برای آلونک دادن و من از اونجا اومدم بیرون».

خانه‌های گود روی زمین‌های بدون مجوز ساخته شده است و جنس آن آجر و سیمان است. داخل هر خانه، یک دستشویی و گاهی هم آشپزخانه‌ای مجزا قرار دارد. متراژ خانه‌ها بین ۴۰ تا ۷۰ متر است.

رضا پنجاه‌ساله از ساکنان سابق گود می‌گوید: «می‌گن این برق ضرر داره، ما که چیزی ندیدیم».

به‌رحال با ورود دولت و مدیریت شهری برای خرید خانه‌های گودنشینان، زندگی از گود برچیده شد و هریک از گودنشینان به بخش‌های دیگر شهر رفتند. در حال حاضر بوستان بزرگ ابریشم و شهرداری ناحیه ۳ منطقه، روی گود سابق خزان ساخته شده است.

خانه سوم

نقطه بعدی روستایی در ورامین است که از سال ۱۳۶۱ شهرک مدرس نام گرفته است. این شهرک یکی از ۱۷۰ روستای تابع ورامین است و مهاجران بسیاری در آن زندگی می‌کنند. فاطمه و حسین توانستند با ۱۰ میلیون ریال مالک خانه‌ای در این روستا شوند. ساکنان روستا-شهرک افراد بومی، مهاجران افغانستانی، ساکنان سابق آلونک‌نشین‌های حواشی فلکه چهارم و مهاجران سایر نقاط کشور هستند. اتباع افغانی هنگام نماز در صفوف نمازگزاران مسجد صاحب‌الزمان - از مساجد مهم شهرک - حضور پررنگی دارند. امام جماعت یکی از مساجد نیز از اتباع افغانی است.

در ادامه نقل‌قول متناقض دو تن از گودنشینانی که به این روستا مهاجرت کرده‌اند آمده است:

- «اونجا می‌رفتیم نون بخیریم، ما رو یه کتک مفصل می‌زدن و برمی‌گشتیم خونه».

– «نه بابا کی جرئت داشت ما رو بزنه. فقط اونجا هیچی نداشت. نه طلا فروشی، نه مغازه‌ای» (روایت فاطمه و دخترعموی او از زندگی در شهرک).

تنها فرهنگسرای این شهرک دو سال به صورت نیمه تعطیل درآمد است. چراغ‌های محوطه فرهنگسرا دائماً شکسته است و به همین دلیل دختران و پسران جوان و نوجوان شهرک کمتر به فرهنگسرا مراجعه می‌کنند. این محله به دلیل دوری از شهر جزو محله‌های مردمی خارج از شهر محسوب می‌شود. هرچقدر محله‌های مردمی خارج از شهر نزدیک به مرکز باشند، هزینه‌های زندگی و تردد از خانه به محل کار و بالعکس کاهش می‌یابد.

خانواده فاطمه و حسین پس از سه سال و خانوارهای دیگری که هم‌زمان با آن‌ها به این شهرک آمده بودند کمتر از یک‌سال دوباره به خزانه بازگشتند. فاطمه درباره سکونتشان در خانه سوم می‌گوید: «اونجا که کس‌وکاری نداشتم. با یه خانمی تو گود خیلی دوست شده بودیم. اون رفت اونجا و هی گفت شما هم بیاین و... گریه و زاری می‌کرد. بالاخره ما هم رفتیم اونجا. همه دخترعموهایم که ساکن گود بودن رفتن. برای همین از اونجا اومدیم بیرون. کس‌وکاری اونجا نداشتم. پدر و مادرم و خواهر و برادرهام اونجا نبودن. نمی‌شد بمونی».

راوی داستان کیفیت منزل مسکونی را این‌گونه نقل می‌کند: «بهترین خونه‌ای که داشتیم همون خونه شهرک بود. اونجا یه اتاق بزرگ ۲۵ متری و یه اتاق کوچیک ۱۲ متری داشتیم، اما چه فایده محله هیچی نداشت و نتونستیم بمونیم».

حرکت فاطمه و حسین و فرزندانشان همچنان ادامه دارد.

خانه چهارم

شرایط زندگی در شهرک آن‌ها را وادار کرد تا خانه خود را بفروشند و به خزانه بازگردند. این یعنی بازگشت به نقطه شروع. آن‌ها به خانه‌ای مشابه همان خانه اول و با همان کیفیت، اما با مالکیتی متفاوت بازگشتند. این خانه به دلیل شباهتش به خانه اول به‌عنوان نقطه شروع و پایان مهم است.

این نوع از محله نقطه مکث و توقف بسیاری از مهاجران کم‌درآمد شهر تهران به‌شمار می‌آید. چه بسا نقطه توقف اول و آخر حرکت مهاجرانی باشد که توان مالی آن‌ها از دیگران بهتر است. یا نقطه توقف طولانی آن‌ها و سپس حرکت به سایر فضاهای شهری متوسط یا مرفه باشد؛ از این‌رو ضرورت دارد چگونگی روابط، وضعیت کالبدی، وضعیت حقوقی و حتی

وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده مذکور در این نقطه به طور دقیق تری مدنظر قرار بگیرد. آنچه اهمیت دارد خوانش ناشی از روند ارتقا و تلاش مهاجران کم درآمد شهری در موقعیتشان و تلاش همراه با حرکت های مداوم است.

خانه چهارم در نزدیکی خانه اول است (نقشه ۱). این محدوده بن بست بزرگی است که ۴ بن بست دیگر در آن قرار دارد و بافت آن از سایر فضاهای محله متفاوت است. ۴۴ خانوار در ۲۷ خانه معمولاً دوطبقه زندگی می کنند. جمعیت آنها بالغ بر ۱۵۰ نفر است. این محدوده در محله خزانه یکی از بافت های متراکم و نامنظم شهری است. متراژ خانه ها نیز بین ۵۰ تا ۱۰۰ متر در نوسان است. هم زمان با سکونت در خانه سوم، سه خانواده از اقوام با اشتراک گذاری سرمایه خود خانه ای در حکم خانه چهارم را خریداری کردند.

«همین طور داشتیم حرف می زدیم. گفتیم ما یه میلیون داریم. کاش می شد با یه میلیون تومن خونه بخریم. پسرعمه شوهرم گفت می خواین خونه بخرین، بیاین منم کمکتون می کنم. پسرعموی شوهرم هم اومد. خونه رو اون موقع خریدیم ۵ میلیون تومن. پسرعمه شوهرم شد دو سهم. ما و پسرعموی شوهرم هم با هم یه سهم شدیم. پسرعمه شوهرم اینجا نمی نشست. اون وضعش خوب بود. خونه دوطبقه بود. پسرعمو با زن و بچه هاش اومد نشست یه طبقه. ما هم طبقه خودمون رو اجاره دادیم. نزدیک به سه سال موندم تو شهرک و بعد دیگه خونه رو از مستأجر گرفتیم و خودمون اومدیم نشستیم، یواش یواش سهم پسرعموی شوهرم رو هم خریدیم. الان کل خونه برای خودمونه» (فاطمه مادر خانواده).

بدین ترتیب فاطمه، حسین و فرزندان شان وارد کوی شدند.

در کوی، ساختمان های یک الی دو طبقه وجود دارد. قدیمی ترین ساکن کوی زن سالمندی است که با دو پسرش و خانواده های آنها در خانه ای ۵۰ متری زندگی می کند. کوی پیش از رونق ساخت و ساز، یک گاوداری بود که مالک آن زمین را تفکیک کرد و به مهاجران فروخت: «اون موقع فقط یه چند تا خونه بیشتر نبودند. می شد تا اون سر خزانه رو هم از اینجا دید. مثل حالا که ساخت و ساز نبود».

۱۱ نفر در این خانه رفت و آمد دارند. یکی از عروس های خانواده که شوهرش به تازگی شغلی گرفته چند ماهی است کار قالی بافی را شروع کرده است. ننه زهرای ۷۰ ساله می گوید:

«پسرم خلیل چهل سالشه. بیکار بود. تازه خدا خیرش بده برادر عروسم رو. اونو برده جای خودش. گاهی یه نقاشی ساختمان بهش می‌خورد و می‌رفت، اما دوباره بیکار می‌شد. الان می‌ره بازار، به تاجرا چایی می‌ده و برای بچه‌هاش پول درمیاره».

وضعیت واحد مسکونی بعدی نیز همین است. خانم پیر دیگری با دو پسرش در خانه ۵۰ متری زندگی می‌کنند. حیاط خانه تمیز و مرتب است و گونی‌های کله‌های قند هم در گوشه‌ای از ورودی حیاط تلنبار شده است. عروس‌های خانواده برای امرارمعاش خود قند می‌شکنند. «اینجا همه اردبیلی هستن. از سراب اردبیل؛ مثلاً اینا از نیارق اومدن، اینا چوندوغلین، اینا باشکندی، اینا جق‌جقی هستن» (رضا از ساکنان کوی).

اگرچه این کوی در تهران قرار دارد، با تهران پایتخت ایران متفاوت است: «اینجا تهران نیست، دهه. این اتاق، هم اتاق منه، هم آشپزخانه من، هم مهمانخانه. همه چیه من تو همین اتاق انجام می‌شه» (ننه گلی).

ساکنان کوی با معضلات مشترکی از قبیل دفع آب‌های اضافی داخل خانه‌ها مواجه هستند: «اینجا آب ما را رنجونده» (مریم از ساکنان کوی).

سطح کوی از خیابان پایین‌تر است. راه آب منازل نیز به چاهی مشترک در میان کوچه باز می‌شود. در این کوچه اتصال به فاضلاب شهری امکان‌پذیر نیست. کسانی که سال‌های بسیاری از سکونت خود را در این کوی و خانه‌ها می‌گذرانند، حتی نمی‌دانند چاهی در خانه دارند یا نه! و نمی‌دانند آب مصرفی حمام و شست‌وشوی لباس و ظرف کجا می‌رود. روایت‌ها و حرف‌هایی از قبیل اتصال برخی خانه‌ها به کانالی که تا آب‌های ری کشیده شده آن‌ها را مجاب کرده است. در برخی خانه‌ها نیز تقریباً ماهیانه یک‌بار تخلیه چاه صورت می‌گیرد. «اینجا خونه زهراخانوم، مریم‌خانوم و.. به اون کانال وصله. فقط همین پنج خونه. مابقی چاه دارن» (روایت یکی از ساکنان قدیمی کوی).

با وجود این روایت، خانه‌ها هر روز بیشتر از قبل نشست می‌کنند و فرومی‌روند. «ما فقط می‌دونیم چاه آب حموم و آشپزخونه‌مون رو کجاست. جای چاه توالت رو نمی‌دونیم. الان می‌بینی این در بسته نمی‌شه چون خونه نشست کرده» (به نقل از فاطمه مادر خانواده).
زیر ساختمان‌هایی که محل تجمع آب مصرفی آن‌ها مشخص نیست، هر روز خالی

می‌شود؛ از این‌رو هشدارهایی که شهرداری و همسایه‌ها برای تخلیه هرچه سریع‌تر خانه‌ها می‌دهند اهمیت دارد.

«من بهش گفتم اینجا دیگه نخواب! دیگه از اجباره! اون روز گفت نم‌داره. گفتم به خدا زیر خونه تو خالیه» (مریم در حضور همسایه‌اش زهرا).

کسانی هم که خانه‌هایشان چاه فاضلاب دارد به‌نحوی درگیر این مسئله هستند. «یه چاهمون نشست کرد و پرش کردیم و یکی دیگه رو کندیم. خطرناکه، اما چیکار کنیم» (سیدخانوم از اهالی کوچه).

هر خانه پمپ آبی تهیه کرده است که هزینه آن بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان است. به محض پرشدن چاه، آب با کمک این پمپ فاضلاب را به جوی خیابان هدایت می‌کند. یکی از ساکنان کوچه می‌گوید همراه یک‌بار روی چاه را باز می‌کند و آب جمع‌شده در چاه را با پمپ به جوی خیابان می‌ریزد. سپس دوباره سطح چاه را با ملاطی از سیمان و ماسه می‌پوشاند. هنگام بارندگی این کوی به دریاچه کم‌عمقی تبدیل می‌شود. چندین چاه داخل کوچه حفر شده است و آب‌های اضافی به درون آن‌ها هدایت می‌شود، اما عمق آن جوابگوی برخی باران‌های تهران نیست و آب، سطح کوچه را پر می‌کند.

«من چکمه گرفتم. می‌رم سر کوچه تا بچه‌ها از مدرسه بیان. پای هر کدوم یه جفت چکمه می‌پوشونم و میارمشون خونه. مهمون هم میاد وضع همینه» (مریم، ۴۵ ساله ساکن کوی).

نداشتن راه خروج آب، زمین کوی را هم سست کرده است. «چاه دستشویی خونه سرریز کرد و کل حیاط رو آب گرفت. ماشین تخلیه چاه اومد خواست وارد کوچه بشه که زمین کوچه فرورفت و برق همه قطع شد» [فاصله خیابان تا ملک ۵۰ متر است] (مادر خانواده مورد مطالعه).

عزم جمعی برای حل معضلات کوچه نتیجه‌ای ندارد. دلیل این امر، بی‌تفاوتی، دغدغه معاش، معضلات حقوقی و ندادن مجوزهایی برای ساخت‌وساز و بهسازی است.

«کسی که پیگیر باشه نیست. اگر هم بیفتن از گرسنگی می‌میرن» (سیدخانوم از ساکنان کوی). «اینجا طرحه! ما می‌گیم شهرداری بیاد بخره. می‌خواد هر کاری کنه. فرهنگسرا بسازه! می‌خواد پنجاه سال دیگه بسازه! هر کاری که می‌خواد بکنه» (سعید، پنجاه‌ساله از ساکنان کوی).



تصویر ۱. ورودی کوچه (آب‌های اضافی کوچه در چاه وسط کوچه جمع می‌شود)

منبع: نگارنده

خانه‌های کوی قولنامه‌ای هستند؛ از این‌رو امکان ساخت‌وساز و بهسازی در این مکان وجود ندارد. تلاش‌های بسیاری برای تبدیل قولنامه به سند انجام شده است تا اعتبارات و تسهیلات نوسازی دریافت شود، اما عموماً اظهار می‌کنند که «شهرداری گفته برین اعلام می‌کنیم». پیش از این بیان شد منزل حسین و فاطمه در این کوی از این معضلات مستثنا نیست. نشتی‌های حاصل از نفوذ آب و ترک‌خوردگی‌ها در تمام قسمت‌های ساختمان (اتاق‌های طبقه پایین تا طبقه بالا) دیده می‌شود. به دلیل ناپایداری حاصل از نفوذ آب از ساختمان‌های مجاور و از فاضلاب خانه، شهرداری دربارهٔ قابل سکونت نبودن خانه هشدارها داده است. در حال حاضر به دلیل این خطرات، طبقه بالا به صورت نیمه‌خالی رها شده است. گاهی صدای ترک خوردن راویز سقف شنیده می‌شود. اتاق بالایی خانه‌های فاطمه و حسین و یکی دیگر از همسایه‌ها تخلیه شده است. یکی از خانه‌های مجاور آن‌ها را نیز به‌طور کامل تخلیه، و از محدوده خارج کرده‌اند.

«اینجا یه آدم می‌تونه بشینه، اما نم داره و می‌ترسیم» (حسین پدر خانواده).

هنگام ورود به خانه، اول از حیاط می‌گذری که به دلیل اتصال نداشتن با شبکه فاضلاب شهری جزو فضاهای مرده محسوب می‌شود و بلااستفاده مانده است. سبزی و طراوتی در حیاط مشاهده نمی‌شود و فعالیت‌هایی مانند شست‌وشو یا دورهمی‌های دوستان و آشنایان در ساعات عصر روزهای تابستان در آنجا صورت نمی‌گیرد.



تصاویر ۲، ۳ و ۴. ترک خوردگی‌های دیوارها و سقف که با خطوط مشکی در تصاویر نشان داده شده است.

منبع: نگارنده



تصویر ۵. استفاده نکردن از حیاط برای مصارفی مانند شست و شو

منبع: نگارنده

انباری ۶ متری کنار حمام در گوشه شرقی تبدیل به آشپزخانه شده است. سال گذشته سقف آن ریزش کرد و آن را با یک پارچه پوشانده‌اند. راه خروج فاضلاب حاصل از شست و شوی ظروف و پخت و پز با لوله آب به سمت حمام هدایت می‌شود. در هر طبقه دو اتاق کوچک وجود دارد. دریچه‌های موقت در دیوارهای رابط اتاق‌ها به چشم می‌خورد. این دریچه‌ها با ردیفی از

تکه‌های چوبی مورب، هم‌زمان با هدایت هوای خنک به اتاق‌ها، امکان دید اتاق‌های مجاور را از بین می‌برد. انتخاب این دریچهٔ موقت بیشتر به دلیل صرفه‌جویی مالی و فضایی، و برای جبران کمبود فضای کافی برای نصب کانال کولر به اتاق‌های مجاور است. نمای ساختمان نیز سیمان سفیدی است که در اثر گذشت زمان رنگ آن رو به تیرگی رفته است. مشکلات عدیدهٔ ساختمان مثل نبود راه‌آب، تمایل نداشتن به زیباسازی خانه را در میان ساکنان از بین برده است.

تصور می‌شود که روابط همسایگی در فضاهایی با این ویژگی‌ها اعم از روابط چهره‌به‌چهره، وضعیت اقتصادی یکدست‌تر و زبان بهتر از سایر نقاط شهر باشد. به تبع این ویژگی‌ها، احتمال سرقت در این مناطق بسیار پایین تخمین زده می‌شود. با وجود این، خانوادهٔ روایت حاضر، با معضلاتی از قبیل سرقت از خانه، برخوردهای همسایگی و تأثیرپذیری روابط کودکانشان از دوستان و همسالان مواجه شده‌اند. روابط دوستی فرزندان خانواده با دوستان و همسالان از این فضا تأثیر می‌پذیرد. شرمندگی از فرسودگی خانه و نمای نامرتب ملک و عواملی از قبیل دشواری‌های تردد در زمستان برای ساکنان، روابط فرزندان را در سطح کوی و احتمالاً محله نگه داشته و در برخی موارد بر پیشرفت فرزندان تأثیر گذاشته است.

«چهار سال پیش دزد اومد و با اینکه خودمون بودیم، هرچی داشتیم برد. به یه نیارقی^۱ ۳۰۰ هزار تومن دادیم و اومد این ایرانیت‌ها را کشید» (به روایت علی).

«اینجا همسایه‌ها خوب نیستن. تو کوچه یه ماشین میاد همدیگه رو می‌کشن، خوب مردم نمی‌تونن ماشینشون رو بذارن بیرون. برای همین مجبورن ماشینشون رو بیارن داخل کوچه» (روایت محمد).

«اینجا هر روز به‌خاطر آب دعواست، یه‌بار چاه حیاط پر شد. صبح بلند شدم دیدم حیاط پر آبه. ماشین تخلیهٔ چاه اومد تو کوچه. زمین کوچه فرورفت و برق کوچه قطع شد. هیچی دیگه ماشین گفت آب رو می‌کشه، اما لجن‌های چاه مونده. مجبور شدیم یه ماشین دیگه بیاریم که لجن‌ها رو بکشه» (روایت حسن).

۱. در سال‌های گذشته مهاجران بسیاری از روستای نیارق اردبیل وارد محلهٔ خزانه شده‌اند. آن‌ها بیشتر در تولید و ساخت ورقه‌های ایرانی اشتغال دارند. با گشتی در محله می‌توان کارگاه‌های ساخت ایرانی را در خیابان رجایی مشاهده کرد.

در این محدوده همسایه‌ها از کم و کیف زندگی یکدیگر اطلاع دارند. «چاهتونو پیدا کردین؟ چندساله اوادم ماه‌به‌ماه خالی کردم، اما اینا نه! چون اینا نمی‌دونن چاهشون کجاست!» (سونا خطاب به مادر خانواده)

«نمی‌ذارم دوستای بچه‌هام بیان اینجا. آبرومون می‌ره» (فاطمه، مادر خانواده). اکنون با این پرسش مواجه می‌شویم که نتیجه حرکت‌ها و تلاش‌های مداوم خانوار مهاجر روایت مطالعه حاضر که سال‌هاست به یکی از ساکنان این شهر تبدیل شده‌اند چیست؟ این موضوع علاوه بر موقعیت مکانی-سکونت می‌تواند از منظر شغلی، تحصیلی و حتی ازدواج مدنظر قرار گیرد.

پیشرفت مفهومی مبهم است و بستگی دارد چه کسی آن را تعریف کند. وقتی یک کم‌درآمد شهری در ملک خویش ساکن است و درآمدی در حد رفع نیازهایش دارد، این شرایط از نظر او پیشرفت محسوب می‌شود. چه‌بسا این پیشرفت از منظر فردی دیگر این‌گونه نباشد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱).

تا اینجا گزارش حاضر ترسیم‌کننده پیشرفت و تلاش خانواده مهاجری است که سال‌های سال همت خود را برای باقی‌ماندن در پایتخت به‌کار بسته‌اند و در نتیجه توانسته‌اند به زندگی در محله مردمی نیمه‌پایدار در خانه‌ای متعلق به خودشان دست یابند.

مرد خانواده در حال حاضر در کارگاه تولیدی پوشاک مشغول به کار است. هریک از فرزندان تحصیلاتی در سطح دوره راهنمایی و دبیرستان دارند. دختر خانواده با یکی از هم‌ولایتی‌های والدینش ازدواج کرده است و سایر فرزندان نیز بنا به موقعیت سنی خود مشغول سربازی، تحصیل و کمک به تأمین معاش خانواده هستند.

خانه پنجم؟

آن‌ها هنوز در خانه چهارم ساکن هستند، اما روایت مهاجرت در این خانه به‌پایان نرسیده است. بسیاری از ساکنان کوی، خانه را اجاره داده‌اند و رفته‌اند و مهاجران جدید جایگزین آن‌ها شده‌اند. زن بدون ترس از شنیده شدن حرفش، خیلی مستقیم به همسایه اجاره‌نشین افغانستانی اشاره می‌کند و می‌گوید «اینجا شده کابل!» بعد ادامه می‌دهد: «همه رفتن، فقط ما موندیم، مهم نیست! بچه‌ها سروسامون بگیرن برای ما خونه و قصر و کاخه، بعدش آگه تونستیم ما هم می‌ریم!»

جدول ۱. وضعیت اعضای خانواده مورد مطالعه

محل تولد	بیمه	تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل	سن	اعضای خانواده
یکی از روستاهای اردبیل	-	نهضت	کارگر تولیدی		۴۵	پدر
یکی از روستاهای اردبیل	-	بی‌سواد	خانه‌دار		۴۰	مادر
تهران	-	تا مقطع راهنمایی	پارکبان	در حال ازدواج	۲۵	پسر
تهران	-	تا مقطع متوسطه	خانه‌دار	متأهل	۲۳	دختر
تهران	-	تا مقطع متوسطه	سرباز	مجرد	۲۲	پسر
تهران	-	تا مقطع راهنمایی	-	در حال ازدواج	۲۰	پسر
تهران	-	در حال تحصیل در مقطع متوسطه	محصل	مجرد	۱۸	پسر

تحلیل یافته‌ها

پژوهش حاضر تنها درمورد مهاجرت نیست و عمدتاً به راهبردها و مسیرهایی می‌پردازد که مهاجران پس از مهاجرت طی می‌کنند. در این پژوهش، نحوه مدیریت مهاجرت پس از رسیدن به مقصد، چگونگی تحقق مالکیت مسکن و روند زمانی-مکانی که مهاجران طی می‌کنند مفاهیمی اساسی و قابل توجه بوده‌اند. مهاجرت روندی بسیار ساده و تک‌خطی نیست، بلکه مسیر پیچیده‌ای است که در خلال آن، تجربه‌ها، چاره‌اندیشی‌ها و تدابیر فرد شکل می‌گیرد. شناخت این مؤلفه‌ها پس از مهاجرت به ما کمک می‌کند با این پدیده که به‌مرورزمان تشدید می‌یابد و اوج می‌گیرد به‌درستی مواجه شویم و دریابیم مهاجران چه نوع عقلانیتی در پس این حجم از سختی و دشواری دارند. همچنین می‌توانیم به درک و فهم مشترکی برسیم تا اشکال مهاجرت را استخراج کنیم؛ برای مثال وضعیت مسکن مهاجر ایرانی مقیم آلمان از مهاجر اردبیلی در تهران متفاوت است. تعریف مسکن و مالکیت آن برای اردبیلی مقیم تهران و ایرانی مقیم آلمان متفاوت است؛ بنابراین، راهبردهای متفاوتی هم در پی دارد. همچنین سبک و شیوه‌های زندگی، تجدیدنظر مداوم در انواع نقاط مستقر در مقصد نیز متفاوت است.

اعضای خانواده مهاجران به صورت مداوم در شیوه مهاجرتشان تجدیدنظر می‌کنند. این عمل در بازگشت به مبدأ یا تغییر مقصد نیست، بلکه تنها تجدیدنظر در شیوه‌های بقا در همان مقصدی است که مهاجران قرار دارند. بازگشت به مبدأ یا به مقصد دیگری در این راهبرد جایگاهی ندارد. کمابیش در ایران، تهران برای مهاجر کم‌درآمد شهری آخرین مقصد است؛ از این رو فرد سعی و تلاش و توانش را برای ماندن و اقامت در آن به کار می‌گیرد.

«تجدیدنظر مداوم» در محل سکونت یکی از این چاره‌هاست. فردی که وارد شهر می‌شود اولین تلاشی که می‌کند مهیاکردن محل سکونتی برای خود و خانواده‌اش در محله‌های متنوع شهر است. این محله‌ها بنابر موقعیت، در مقایسه با محدوده‌های مرکزی شهر، محله‌های مردمی داخل و خارج از آن را تشکیل می‌دهند. وضعیت حقوقی و کالبدی املاک، دو مؤلفه متمایزکننده محل سکونت است. اینجا لایه‌های مختلف شهری شناسایی شده است و مهاجر با حرکت در آن‌ها مسیر را برای طی کردن یک مرحله از ارتقای سکونت در شهر هموار می‌کند. اینکه آیا لایه‌بندی شهر درخصوص همه شهرهای دنیا قابل تعریف است یا خیر نیازمند پژوهش است. همچنین با بررسی و تحقیق باید به این پرسش پاسخ داد که آیا لایه‌بندی‌های مختلف شهری تهران - که در این پژوهش به آن رسیدیم - با لایه‌بندی یا قشربندی کالبدی-اقتصادی شهر در شهرهای دیگر قابل انطباق است؟

در شهر تهران مهاجران با طیفی از محله‌های مردمی داخل و خارج شهری و انواع پایداری‌ها مواجه هستند:

۱. محله‌های مردمی خارج از مرکز

الف) محله‌های مردمی مجاور مرکز: محله‌های مستقر در نزدیکی مرکز و در بعضی مواقع مستقر در مرزهای مرکز و پیرامون.

ب) محله‌های مردمی پیرامون مرکز: محله‌های دور از مرکز شهری.

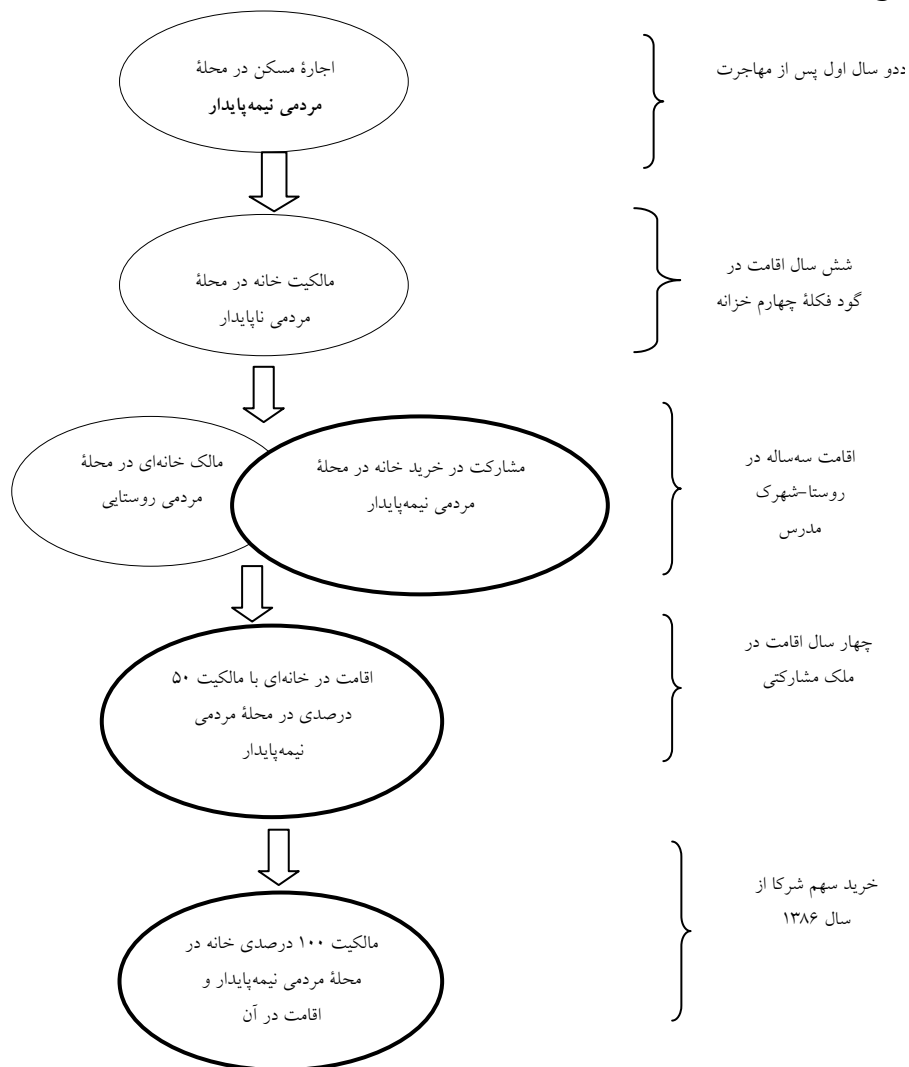
۲. محله‌های مردمی داخل مرکز

الف) محله‌های مردمی پایدار: داخل مرکز دارای سند مالکیت با وضعیت کالبدی مناسب‌تر از سایر محله‌های مردم‌ساخت.

ب) محله‌های مردمی نیمه‌پایدار: داخل مرکز با مالکیت قولنامه‌ای و عمدتاً با یک تا دو معضل کالبدی محرز و آشکار، به لحاظ سازه‌ای سست و ناپایدار.

ج) محله‌های مردمی ناپایدار: بدون پایه حقوقی برای اقامت و بسیار سست و ناپایدار از نظر مصالح ساختمانی و مقاومت ساختمان.

نمودار زیر حرکت خانواده فاطمه و حسین را از ابتدای ورود تا زمان استقرار کامل در انواع محله‌ها با توجه به زمانی که در آن‌ها گذرانده‌اند، نشان می‌دهد.



نمودار ۱. حرکت خانوار کم‌درآمد در محله‌های داخل و بیرون از مرکز شهری

براساس نمودار ۱، از حضور فاطمه، حسین و فرزندانشان در شهر تا تثبیت نسبی‌شان، بیش از بیست سال می‌گذرد. این فاصله زمانی از ابتدای حضور مهاجران کم‌درآمد شهری تا ثباتشان در محاسبات طراحی شهری، سیاست‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری در نظر گرفته نمی‌شود. محله خزانه از محله‌های مردمی پایدار شهر تهران است، اما محدوده مورد مطالعه این پژوهش، محدوده مردمی نیمه‌پایداری است که در این محله واقع شده است. محدوده‌های مردمی نیمه‌پایدار بسیاری درون محله‌های مردمی پایدار و حتی در دل محله‌های متوسط یا مرفه یافت می‌شوند. گاهی این محدوده منطبق بر مرزهای محله است؛ مانند محله اسلام‌آباد مجاور شهرک غرب. گاهی نیز محدوده‌ها کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از تعریف مشخص محله است؛ مثل کوی پروران در محله خزانه.

ارتقای مبنی‌بر حرکت مداوم و آهسته یکی از شیوه‌های ارتقای سکونت و مسکن است. حرکت در دالان‌های شهری با زندگی کردن در فضاهای شهری مختلف و متفاوت آموخته می‌شود. تحرک مداوم و آهسته ساکنان بر ایستایی و قناعت به وضعیت فقر در میان کم‌درآمدهای شهری صحنه نمی‌گذارد، هرچند زندگی آن‌ها هنوز هم با استانداردهای زندگی معمولی خانوار ساکن شهری فاصله دارد.

باید توجه داشت که مسکن یکی از عناصر تحرک اجتماعی است. در خانوار مورد مطالعه، مالکیت مسکن ارتقا پیدا کرده است و در ظاهر می‌توان تحرک اجتماعی خانواده در مسکن و تحصیلات فرزندان (نمودار و جدول ۱) و تثبیت سکونت در محله داخل شهری را مشاهده کرد. نتیجه این تحرک برای اعضای خانواده غنیمت بسیار بزرگی محسوب می‌شود. تعاریف تحرک اجتماعی مهاجران از قبیل «مدیریت فراغت»، «مدیریت تنظیم خانواده»، «مشارکت در فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی» و... که گنجی (۱۳۷۷) در مقاله خود به آن‌ها اشاره کرده است، در میان قشر متوسط مهاجران رخ می‌دهد نه مهاجران کم‌درآمد. تأمین سرپناه و کسب حقوق اولیه سکونت مثل تحصیلات و شغل از مهم‌ترین عناصر تحرک اجتماعی در میان مهاجران کم‌درآمد شهری محسوب می‌شود؛ زیرا شهر، فروشنده‌ای ماهر، اما سخت‌گیر است. مهاجر عمر و زمان خود را می‌دهد تا بتواند از کالاهایی که شهر در اختیارش می‌گذارد استفاده کند.

بحث و نتیجه‌گیری

تلاش برای تثبیت در شهر و دستیابی به حداقل‌هایی از مسکن را می‌توان در مطالعات بیات (۱۳۹۱) مشاهده کرد. وی به ارتباط تلاش‌های زندگی روزمره با نقاط حساس در مقاطع تاریخی و تغییرات اجتماعی خاص مثل انقلاب اسلامی توجه دارد. درحالی‌که این روند همواره و بدون حتی بسترهایی از جمله انقلاب و نابسامانی سیاسی رخ می‌دهد. زندگی روزمره، شهر و البته افرادی که وارد شهر می‌شوند، پویایی خود را به‌عنوان نیروی محرکه گذران روز و شب‌های خود در نظر می‌گیرند. در این مطالعه با احیای شخصیت شهر به‌مثابه موجودی که دارای شخصیت ثابت، قهار و پردکننده مهاجران نیست، همچنین ترسیم زندگی روزمره مهاجران، این مهم در مقطع تاریخی خاصی، یعنی دو دهه اخیر که آرامش نسبی بر کشور حاکم بوده است مشخص شد.

براساس این پژوهش، مهاجرت کم‌درآمدهای شهری، مقطعی و تنها برای یک یا دو سال از زندگی مهاجران نیست. مهاجرت پدیده‌ای است که همواره در زندگی مهاجران وجود دارد. در این سال‌ها، شانس‌های زندگی در مهاجرت بسیار مطرح بودند. البته شانس‌هایی که خالق آن چیزی جز هوشمندی، صبر و مداومت مهاجر و خانواده‌اش برای تحقق‌بخشیدن به کیفیت استاندارد زندگی خود در تهران نیست. شاید آنچه از نقطه توقف نهایی مسیر این خانواده گفته شد، در حال حاضر نقطه مناسبی نباشد و پس از این همه تلاش ارزیابی نشود، اما به‌طور حتم بیانگر کیفیت ویژه ارتقا است. ارتقا از خانه اجاره‌ای به خانه‌ای مستقل و ایجاد زمینه‌ای برای پروراندن رؤیای خروج از محله ناپایدار به محله‌ای پایدارتر و خانه پنجم! موقعیت کنونی را برای این مهاجران معنادار می‌کند.

درک روند ارتقای سکونت در میان افراد کم‌درآمد، ما را بیشتر به درک کنش کم‌درآمدهای شهری وامی‌دارد. آن‌ها از راهبردهای مختلفی برای افزایش کیفیت زندگی خود استفاده می‌کنند. همچنین بدون حمایت نهادهای دولتی و تنها به اتکای دارایی‌ها و نیروی خلاقه خود از این مسیر می‌گذرند، هرچند در کنترل بخشی از امور توانایی‌های لازم را ندارند.

مسیری که در این پژوهش ترسیم شد، می‌تواند راه هزاران مهاجر شهری یا خانوار نوبنیادی باشد که می‌خواهند زندگی خود را در همین شهر دوباره یا از نو بسازند. البته همه

آن‌ها این مسیر مشابه را طی نمی‌کنند و به نقطه پایانی این مسیر نمی‌رسند، بلکه ممکن است بنابر شرایطی بتوانند به فضاهای شهری متوسط و مرفه راه یابند و در فضاهای روستایی بلافصل مرکز یا پیرامون باقی بمانند. در این میان برخی با سرنوشت غم‌انگیزی روبه‌رو، و گرفتار تله‌های شهری اعم از اعتیاد، بزهکاری و... می‌شوند.

هدف از ترسیم این مسیر، دستیابی به تجربه مهاجران برای درک حرکت‌های خانوارهای شهری، و بررسی موقعیتی است که ماحصل این حرکت‌ها به‌شمار می‌آید. شهر و حرکت دو پدیده درهم‌تنیده است که این ویژگی یکی از تفاوت‌های شهر و روستا محسوب می‌شود. هر فضایی که قابلیت هدایت حرکت‌های متعدد را داشته باشد شهر نام دارد؛ بنابراین، شناخت شهر مستلزم شناسایی حرکت‌های درون آن و حرکت‌های مهمانان تازه‌وارد است.

منابع

- بیات، آصف (۱۳۹۱)، *سیاست‌های خیابانی؛ جنبش تهی‌دستان در ایران*، ترجمه سید اسدالله نبوی چاشمی، تهران: نشر پردیس دانش.
- سازمان آمار ایران (۱۳۸۵) *گزارشات سرشماری سال ۱۳۸۵*.
- حمدی، کریم و فتحی، سروش (۱۳۸۸)، «عوامل مؤثر در گسترش مهاجرت به کلان‌شهر تهران»، *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، پیش‌شماره ۳: ۱۹-۳۶.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲)، *روایتی خود مردم‌نگارانه از تجربه شهری شدن در ایران معاصر*، پشت دریاها شهری است؛ فرایندها، روش‌ها و کاربردهای مردم‌نگاری شهری، تهران: انتشارات تیسرا.
- قاسمی، پروین (۱۳۹۲) «روابط قومی «تهدید» یا «فرصت» برای انسجام اجتماعی شهرها؟ بررسی مکانیزم‌های مقاومت مردمی در برابر سیاست‌های شهری در محله اسلام‌آباد کرج»، *مجله انسان‌شناسی*، شماره ۱۹: ۸۵-۱۱۷.
- فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه؛ سیاست اجتماعی چیست؟* ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات گام نو.

- کاظمی‌پور، شهلا و قاسمی اردهائی، علی (۱۳۸۶) «تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، شماره ۳: ۱۳۰-۱۴۸.
- گنجی، محمدرضا (۱۳۷۷)، «مهاجرت و تحرک اجتماعی (مطالعه موردی شهر آزادشهر ۱۳۷۶-۱۳۷۷)»، فصلنامه علمی-پژوهشی مددکاری اجتماعی، شماره ۹: ۴۱-۴۷.
- گوتدینر، مارک و باد، لسلی (۱۳۹۰)، مفاهیم اساسی در مطالعات شهری، ترجمه عبدالرضا ادهمی، تهران: انتشارات بهمن برنا.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۰)، «تحلیل تطبیقی فرار مغزها در سطوح خرد و کلان»، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
- رجایی‌پور، سعید و همکاران (۱۳۸۷)، «بررسی روش‌های جلوگیری از مهاجرت نیروی انسانی متخصص در مناطق محروم از دیدگاه متخصصان خوزستان»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، شماره ۱: ۱۱۹-۱۳۴.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد؛ حسینی کازرونی، محمدرضا و درویشی، کریم (۱۳۶۶)، «پیش مهاجرت در جهان معاصر»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳: ۵۲-۵۵.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۶)، تحلیل جمعیت‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- زنگنه، یعقوب، سمیعی‌پور داوود (۱۳۹۱)، «مهاجرت، تحرک سکونتی و ساخت اجتماعی-فضایی شهر سبزوار»، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۲: ۱۰۱-۱۱۸.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- دراکایس اسمیت، دیوید (۱۳۷۷) شهر جهان‌سومی، ترجمه فیروز جمالی، تهران: نشر توسعه.
- مجاورحسینی، فرشید و حق ویردی، معصومه (۱۳۷۸)، «مهاجرت، بیکاری و سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۵: ۳-۲۹.
- مهندسان مشاور مآب (۱۳۸۸) گزارشات طرح تفصیلی منطقه ۱۶ (منتشر نشده).
- موکرجی، شکر (۱۳۹۰)، مهاجرت و تباهی شهری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- وارثی، حمیدرضا و سروری، زهتاب (۱۳۸۵)، «تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره ۶: ۱۷۹-۱۹۶.
- وطن‌پرست، راضیه و ملکی‌پور، سمیه (۱۳۹۳)، «بررسی روندهای مهاجرت و آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر پاکدشت، پیشوا، دماوند، فیروزکوه، ورامین»، *فصلنامه دانش انتظامی شرق تهران*، سال اول، شماره ۱: ۱۰۱-۱۳۹.
- Reissman, C. K. (1993), **Narrative Analysis; Qualitative Research Methods**, Vol 30, London: Sage Publication.
- Gubrium, Jaber, F. and Holstein, James A. (2008), "Narrative Ethnography", from **Handbook of Emergent Methods**, Edited by Sharlene Nagy Hesse- Biber and Patricia Leavy, Guilford Press.
- Turner, J. F. C. (1968), "Housing Patterns, Settlement Patterns, and Urban Development in Modernizing Countries", **Journal of American Planning Association**, No 34: 354-363.
- Oishi, Sh. and Shimmack, U. (2010), "Residential Mobility, Well-Being, and Mortality" **Journal of Personality and Social Psychology**, Vol 98, No 6: 980-994.
- Coulton, C. and Theodos, B. (2012), "Residential Mobility and Neighborhood Change: Real Neighborhoods Under the Microscope", **Journal of Policy Evolvement and Research**, Vol 14, No 3: 55-90.